

چارچوب قانونی ورشکستگی بانکها در حقوق ایران

ماجد عزیزیان گیلان*

۱۳۸۳: صص. ۴۲ و ۴۳.

قانونگذار در قانون تجارت وقفه در پرداخت دیون را یکی از دو شرط لازم و اساسی برای اعلام ورشکستگی دانسته است. از نظر لغوی توقف عبارت از بازایستادگی در پرداخت است. حال چه این بازایستادگی مولود عجز باشد یا نتیجه علت دیگر، بنابراین با مساله عجز از پرداخت متفاوت است. (توقف لزوماً به معنای عجز از پرداخت نیست). شخصی قادر به پرداخت دیون خود نیست و از تادیه وجوهی که بر عهده دارد عاجز و ناتوان است که مجموع دارایی او برای پرداخت دیون او را نداشته باشد و یا اینکه اصلاً از ثروت ساقط باشد؛ در حالی که متوقف می‌تواند کاملاً توانگر باشد (آذری، ۱۳۵۵: ص. ۴). در واقع همان‌گونه که فوقاً اشاره شد، برداشت از مفهوم توقف به عنوان یکی از شروط اساسی ورشکستگی در میان حقوقدانان متفاوت است. عده‌ای صرف عدم پرداخت دیون به هر علت را توقف محسوب کرده و موجب صدور حکم ورشکستگی می‌دانند و در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند جهت توقف و صدور حکم ورشکستگی می‌بایست به توانایی مالی و دارایی تاجر توجه شود و چنانچه این توانایی به حدی نباشد که تاجر بتواند دیون خویش را بپردازد در این صورت مصداق توقف خواهد بود. به نظر می‌رسد در این رابطه می‌بایست در وهله نخست به مقتضیات تجارت و بازرگانی توجه شود. بدین معنی که تحقیق در رابطه با توانایی واقعی مالی تاجر متوقف و اینکه آیا توقف در پرداخت ناشی از چه علتی بوده است فارغ از اینکه فرآیند دشواری بوده و دادگاه را در احراز آن با مشکل مواجه می‌سازد، در عمل منجر به تطویل روند رسیدگی به وضعیت ورشکستگی شده که با توجه به وابستگی زنجیره‌ای دیون و تعهدات مختلف تاجر به یکدیگر، موجبات تضییع حقوق اشخاص ثالث را فراهم کرده و از طرفی نظر به ایجاد تاخیر در روند رسیدگی به وضعیت ورشکستگی تاجر، ناقص اصل سرعت که یکی از اصول حقوق تجارت است خواهد بود. علی‌الاحوال توقف در پرداخت دیون یکی از مفاهیم اساسی ورشکستگی است که معمولاً در ادبیات حسابداری ورشکستگی مورد توجه قرار نمی‌گیرد در حالی که مبنای احراز ورشکستگی تاجر ایجاد وقفه در پرداخت دیون او است و نشانه‌ای است که توجه به موقع به آن می‌تواند در جهت حفظ حقوق طلبکاران بسیار موثر باشد.

شرکت‌ها به عنوان اشخاص مشمول تعریف تاجر در قانون تجارت می‌توانند دچار ورشکستگی شوند. به موجب بند (۴) ماده (۳) قانون تجارت، معاملات شرکت‌های تجاری به اعتبار تاجر بودن این شرکت‌ها، تجاری محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به ماده (۴۱۲) این قانون اقسام شرکت‌های موضوع ماده (۲۰) این قانون مشمول مقررات ورشکستگی خواهند بود. مطابق ماده (۴۱۳) قانون تجارت، در صورتی که تاجر دچار وقفه در پرداخت دیون خود شود، می‌بایست ظرف سه روز از تاریخ توقف، نسبت به اعلام توقف نزد دادگاه محل اقامت خود (مرکز اصلی شرکت) اقدام کند. ورشکستگی شرکت توسط مدیران

چکیده

ورشکستگی از جمله مفاهیم مهم و کلاسیک حقوق تجارت است. در نگاه اول و با توجه به سابقه قانونگذاری داخلی در رابطه با این موضوع، آنچه از این مفهوم به ذهن متبادر می‌شود، موضوع ورشکستگی شرکت‌های مشمول مفاد قانون تجارت است. از این دیدگاه، شرکتی که به علت عدم توانایی در ایفای تعهدات و دیون خود دچار توقف شده است، وارد روند تصفیه امور ورشکسته شده که این روند نهایتاً منجر به انعقاد قرارداد ارفاقی با طلبکاران و ادامه فعالیت به صورت محدود و مشروط و یا صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه خواهد شد؛ لذا ملاحظات مورد نظر قانون تجارت از این دیدگاه، در اصطلاح ناظر بر جنبه «شرکتی» ورشکستگی است که عمدتاً متضمن پیش‌بینی ساز و کارهایی به منظور رسیدگی به دارایی‌ها و تعهدات شخص تاجر و نیز حفظ منافع و حقوق اشخاص ثالث و طلبکاران است. اما بانک‌ها نیز به عنوان دسته‌ای از اشخاص حقوقی، ممکن است دچار ورشکستگی شوند که در این میان تنها ملاحظه موجود، ملاحظات ناشی از چارچوب و یا قالب فعالیت شرکتی آنها نیست بلکه نظر به محیط فعالیت و محدوده عملیات بانک‌ها و تاثیر غیرقابل انکار ورشکستگی یک بانک بر نظام پولی و بانکی کشور و احتمال ایجاد ریسک سیستمی، می‌بایست ملاحظات دیگری را نیز در صورت ورشکسته شدن یک بانک مورد توجه قرار داد.

در این راستا سوالات قابل طرح شامل این موارد است: تا چه اندازه می‌توان منطقاً با مقررات قانون تجارت در خصوص ورشکستگی تاجر، موضوع ورشکستگی یک بانک را مورد رسیدگی قرار داد؟ وضعیت موجود قوانین موضوعه در رابطه با ورشکستگی بانک‌ها و جایگاه نظارتی بانک مرکزی در این میان چگونه است؟ مختصات و ویژگی‌های ورشکستگی و تصفیه در رابطه با بانک‌ها باید چگونه باشد؟ در این نوشتار تلاش شده است با نگاهی به ادبیات ورشکستگی و توقف شرکت‌ها و بانک‌ها در حقوق تجارت ایران و ارزیابی وضعیت موجود با توجه به مفاد قانون تجارت و قانون پولی و بانکی کشور، سوالات مطروحه مورد بررسی قرار گرفته و چارچوب‌ها و پیشنهادات مورد نظر با توجه به پیش‌نویس قانون بانکداری مطرح شود.

واژگان کلیدی: توقف، ورشکستگی شرکت‌های سهامی، قانون تجارت، قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، ورشکستگی بانک‌ها، قانون پولی و بانکی کشور، بازسازی، پیش‌نویس قانون بانکداری.

توقف و ورشکستگی شرکت سهامی در قانون تجارت

ورشکستگی به‌طور کلی حالت تاجری است که در پرداخت دیونش وقفه ایجاد شده باشد. اما قبل از بررسی مفهوم ورشکستگی ضروری است مفهوم «توقف» مورد توجه و بررسی قرار گیرد چرا که یکی از مباحثی که در حقوق ورشکستگی موجبات اختلاف عقیده میان علمای حقوق و قضات را فراهم آورده، مساله توقف از پرداخت دیون است. این امر ناشی از آن است که قانونگذار ایران توقف از پرداخت دیون را تعریف نکرده است و در ماده ۴۱۲ قانون تجارت صرفاً به این بسنده کرده است که «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود...» در واقع سوال این است که آیا صرف عدم پرداخت به موقع یک یا چند دین، بدون در نظر گرفتن وضع کلی مالی تاجر و اینکه دارایی واقعی او (نقد و غیرنقد) از بدهی‌های او کمتر است برای صدور حکم ورشکستگی اش کافی است یا خیر؟ (اسکینی،



شرکت اعلام می‌شود و علاوه بر آن طلبکاران شرکت و مدعی‌العموم نیز می‌توانند دعوی ورشکستگی را اقامه نمایند (ماده ۴۱۵ قانون تجارت).

لازم به ذکر است با توجه به اینکه به موجب بند (الف) ماده (۳۱) قانون پولی و بانکی کشور، «تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن خواهد بود» و همچنین نظر به اینکه حسب ماده (۵) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، «بانک‌های غیردولتی و موسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی که قبل و بعد از تصویب این قانون تاسیس شده یا می‌شوند و بانک‌های دولتی که سهام آنها واگذار می‌شود صرفاً در قالب شرکت‌های سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند»، لذا در این نوشتار با توجه به موضوع آن، صرفاً به مقررات مرتبط با ورشکستگی شرکت‌های سهامی پرداخته خواهد شد.

به لحاظ مفاهیم مالی و حسابداری، ورشکستگی یک شرکت دارای مراحل است که به ترتیب عبارتند از: نهمتی، کسری وجه نقد، عدم قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، عدم قدرت پرداخت دیون کامل، ورشکستگی (حاجی‌ها، ۱۳۸۴: ص. ۶۷)، ماده (۱۴۱) قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ در خصوص شرکت‌های سهامی عام و خاص مقرر می‌دارد: «اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، هیات‌مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت کند تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رای واقع شود... در صورتی که هیات‌مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت نکند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد شود، هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند». بنابراین در این ماده یک ضابطه و یا شاخص مالی جهت احراز توقف و ورشکستگی شرکت سهامی ارائه شده که شامل: از بین رفتن سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده و یا به عبارتی زیان انباشته حداقل به میزان نصف کل سرمایه شرکت (همان: ص. ۶۹) است. همچنین در ماده (۱۴۳) قانون اصلاح مصوب ۱۳۴۷، صراحتاً به موضوع ورشکستگی شرکت‌های سهامی و نحوه صدور حکم ورشکستگی اشاره شده است. بند (۳) ماده (۱۹۹) قانون اصلاح ۱۳۴۷ یکی از موارد انحلال و تصفیه شرکت سهامی را ورشکستگی آن بیان کرده است و در ماده (۲۰۰) مقرر می‌دارد: «انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است». در ماده (۲۰۳) این قانون نیز تصریح شده است که تصفیه امور شرکت سهامی در مورد ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است. در واقع حسب مقرر اخیرالذکر، برای شرکت‌های سهامی فقط طریق تصفیه قانونی پذیرفته شده است و تصفیه قراردادی مورد پذیرش نیست و لذا پیش‌بینی روش تصفیه به موجب مفاد اساسنامه شرکت که در ماده (۲۱۸) قانون تجارت عنوان شده است، در خصوص شرکت‌های سهامی پذیرفته نشده است (اسکینی، ۱۳۸۵: ص. ۲۳۷).

با آغاز روند تصفیه، حسب ماده (۲۰۸) قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، شخصیت حقوقی شرکت تا خاتمه امر تصفیه باقی خواهد بود. چنین تمهیدی بدین منظور پیش‌بینی شده است که تکنیک شخصیت حقوقی شرکت و تعیین محدوده مسؤلیت شرکت در قبال تعهدات و بدهی‌ها به خوبی انجام پذیرد. اما در خصوص طرق تصفیه همان‌گونه که اشاره شد، مطابق ماده (۲۰۳) قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورت ورشکستگی شرکت سهامی، تصفیه امور آن بر اساس مقررات قانون تجارت در خصوص ورشکستگی صورت خواهد پذیرفت؛ لذا اگر در حین امر تصفیه (به غیر از علت ورشکستگی) معلوم شود که شرکت ورشکسته است، می‌توان صدور حکم ورشکستگی آن را از دادگاه صلاحیت‌دار (دادگاه مرکز اصلی شرکت) تقاضا کرد. در این صورت تصفیه امور شرکت و تقسیم دارایی‌های آن مطابق مقررات مربوط به ورشکستگی انجام خواهد شد (همان).

تصفیه امور شرکت ورشکسته مطابق نظر دادگاه صادرکننده حکم صورت خواهد پذیرفت که علاوه بر مدیر تصفیه، عضو ناظر (موضوع ماده ۴۲۷ قانون تجارت) را نیز معین خواهد کرد. مطابق ماده (۴۲۸) این قانون، عضو ناظر مکلف به نظارت بر اداره امور راجع به ورشکستگی و سرعت جریان آن است. عضو ناظر مطابق مفاد قانون تجارت در برابر مقامات قضایی، مدیر تصفیه، طلبکاران، تاجر ورشکسته و اشخاص ثالث وظایفی را بر عهده دارد؛ اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین رکن تصفیه امور ورشکسته، مدیر تصفیه است. همان‌گونه که عنوان شد با عنایت به اینکه در صورت ورشکستگی شرکت سهامی امور تصفیه مطابق مفاد قانون تجارت در خصوص ورشکستگی و امور تصفیه خواهد بود لذا دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی، مدیر تصفیه را تعیین خواهد کرد. این موضوع طی ماده (۴۴۰) قانون تجارت پیش‌بینی شده است. وظایف مدیر تصفیه در فصل ششم باب یازدهم قانون تجارت در پنج مبحث معین شده است. در صورتی که مدیر تصفیه در اجرای وظایفش با مشکلی مواجه شود می‌تواند به مقررات قانون اداره تصفیه مراجعه و از قاعده وحدت ملاک استفاده کند. مدیر تصفیه در اجرای وظایف خود تابع نظامنامه امور ورشکستگی قانون تجارت است.

(اسکینی، ۱۳۸۳: ص. ۱۱۱).

آخرین نکته در خصوص حکم ورشکستگی این است که به نظر می‌رسد در حقوق تجارت ایران ورشکستگی، جنبه اعلانی داشته باشد؛ یعنی ورشکستگی تاجر را که قبلاً حادث شده اعلام می‌دارد؛ به بیان دیگر حکم ورشکستگی کاشف از آن است که تاجر از تاریخ توقف ورشکسته بوده است. در این صورت، تمام معاملات تاجر از تاریخ توقف، باید به دلیل لزوم عدم دخالت تاجر در اموال خود به خاطر حفظ حقوق طلبکاران، مشمول همان حکمی باشد که نسبت به معاملات تاجر ورشکسته پس از صدور حکم ورشکستگی پذیرفته می‌شود؛ لذا (به نظر برخی مولفان) معاملات ضرری تاجر ورشکسته در دوره توقف، باید با حکم معاملات ضرری اشخاص در حقوق مدنی، یعنی عدم نفوذ معامله سازگار شود (روشن، ۱۳۸۷: ص. ۷۶).

۲ ورشکستگی بانک‌ها در قانون پولی و بانکی کشور

بانک‌ها فارغ از فعالیت تجاری در قالب شرکت سهامی موضوع قانون تجارت، به لحاظ موضوع فعالیت خود و گستره خدماتی که ارائه می‌دهند تابع نظارت عالی بانک مرکزی به عنوان نهاد تنظیم‌کننده مقررات بانکی و نظارت بر آنها هستند. در رابطه با ورشکستگی بانک‌ها چند مدل مختلف قابل بررسی است. نخست اینکه با توجه به ماهیت شرکتی فعالیت بانک‌ها رسیدگی به امور ورشکستگی و تصفیه آنها می‌بایست با توجه به مقررات قانون تجارت صورت گیرد؛ لذا مطابق این نظر، موضوع محوری متوجه شکل و قالب فعالیت بانک‌ها که شرکت سهامی است، خواهد بود و می‌بایست به منظور بررسی نحوه تصفیه یک بانک در صورت ورشکستگی، صرفاً به مفاد قانون تجارت توجه شود. در مقابل می‌توان گفت که با توجه به مختصات فعالیت بانک‌ها و ارتباط آنها با نظام پولی و بانکی کشور در خصوص ورشکستگی یک بانک و روند تصفیه، می‌بایست قابل به تخصیص شده و تا حد امکان از تسری مفاد قانون تجارت در رابطه با ورشکستگی بانک‌ها خودداری کرد و بر اساس مقررات خاص حاکم بر نحوه رسیدگی به ورشکستگی بانک‌ها در این خصوص اقدام شود. نهایتاً نظر به سوم بر این مبناست که با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌ها و عملیات بانکی، می‌بایست به‌طور کلی مقررات مربوط به ورشکستگی و تصفیه بانک‌ها را از قوانین عام یعنی قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی منفک کرد و مطابق یک نص خاص به وضعیت ورشکستگی بانک‌ها رسیدگی کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت کنونی فعالیت بانک‌ها، از سویی می‌بایست به مقررات نسبتاً جامع قانون تجارت در خصوص ورشکستگی و تصفیه توجه کرد و از طرفی ویژگی‌های خاص فعالیت‌های بانکی و لزوم نظارت بانک مرکزی بر فعالیت بانک‌ها و ورشکستگی و خروج آنها از چرخه خدمات بانکی توجه کرد و لذا علاوه بر قوانین عام حاکم، قوانین خاص را نیز مد نظر قرار داد؛ لذا در این رابطه ضروری است به مفاد قانون پولی و بانکی کشور به عنوان قانون مرجع فعالیت‌های بانکی توجه شود. ضمن اینکه تدوین و تصویب نص قانونی جدید در خصوص نحوه رسیدگی به امور ورشکستگی و تصفیه بانک‌ها نیز با توجه به این ملاحظه امکان‌پذیر خواهد بود.

در فصل سوم قانون پولی و بانکی کشور مقرراتی در خصوص ترتیب انحلال و ورشکستگی بانک‌ها مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. ماده (۳۹) این قانون مقرر می‌دارد: «در موارد زیر ممکن است بنا به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تایید شورای پول و اعتبار و تصویب هیاتی مرکب از نخست‌وزیر و وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر اقتصاد و وزیر دادگستری، اداره امور بانک به عهده بانک مرکزی ایران واگذار شود یا ترتیب دیگری برای اداره بانک داده شود یا اجازه تاسیس بانک لغو شود».

الف- در صورتی که مقامات صلاحیت‌دار بانک تقاضا کنند.

ب- در صورتی که بانک در مدت یک سال از تاریخ ابلاغ اجازه تاسیس عملیات خود را شروع نکند.

ج- در صورتی که بانکی بدون عذر موجه فعالیت خود را برای مدتی متجاوز از یک هفته قطع کند.

د- در صورتی که بانکی برخلاف این قانون و آیین‌نامه‌های متکی بر آن و دستورات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های متکی بر آن صادر می‌شود و یا برخلاف اساسنامه مصوب خود عمل کند.

ه- در صورتی که قدرت پرداخت بانکی به خطر افتد یا سلب شود.

تبصره- بانکی که اجازه تاسیس آن لغو می‌شود از تاریخ الغای اجازه تاسیس، طبق دستور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عمل خواهد کرد.

در این ماده توقف فعالیت یک بانک بنا به دلایلی غیر از ورشکستگی مورد توجه است. بنابراین این ماده را می‌توان متناظر با مصاد (۱۹۹) و (۲۰۱) قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ دانست چرا که در مواد اخیرالذکر، موارد انحلال شرکت سهامی قید شده است که به موجب آن انحلال یا فحری است یا به تشخیص مجمع عمومی و بنا به تصمیم آن صورت می‌گیرد و یا بنا به حکم دادگاه انجام می‌شود. همان‌گونه که قبلاً نیز عنوان شد، انحلال شرکت به علت ورشکستگی تابع احکام قانون تجارت در مبحث ورشکستگی و امور

حکم منصوب می‌شود؛ لذا اگر نماینده تعیین شده توسط بانک مرکزی به موجب بند (ج) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی را متناظر با عضو ناظر بدانیم، تعیین آن توسط بانک مرکزی انجام می‌پذیرد که با توجه به لزوم توجه به مسائل و موضوعات خاص بانکی از سوی عضو ناظر، این نحوه انتخاب قابل توجیه خواهد بود. اما از طرفی چنین برداشتی از قانون با مفاد ماده (۱) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی تعارض دارد؛ چرا که حسب بند (ب) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی، تصفیه امور بانک ورشکسته با اداره تصفیه امور ورشکستگی است؛ بنابراین در صورتی که در محل صدور حکم ورشکستگی بانک، اداره تصفیه وجود داشته باشد، رسیدگی به امور ورشکستگی بر عهده اداره تصفیه قرار می‌گیرد. اما تعارضی که در اینجا ایجاد می‌شود آن است که در صورتی که اداره تصفیه متولی امور مربوط به تصفیه باشد، مطابق ماده (۱) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، عضو ناظر تعیین نمی‌شود و به عبارت دیگر، وظایف عضو ناظر و مدیر تصفیه بر عهده یک نفر قرار می‌گیرد که کارمند تصفیه نامیده می‌شود (اسکینی، ۱۳۸۳: ص. ۱۱۵)؛ بنابراین اگر نماینده تعیین شده توسط بانک مرکزی را مرادف با عضو ناظر بدانیم نظر به بند (ب) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی و ماده (۱) قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، تعارض حاصل خواهد شد و لذا نماینده بانک مرکزی نمی‌تواند جایگاه عضو ناظر موضوع ماده (۴۲۷) قانون تجارت را داشته باشد. از دیگر ملاحظات مورد توجه قانونگذار در قانون پولی و بانکی بند (د) ماده (۴۱) این قانون است که با توجه به وضعیت خاص سپرده‌گذاران یک بانک در صورت ورشکستگی آن مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. طی این بند از ماده (۴۱) در واقع نوعی طبقه‌بندی در مطالبات طلبکاران یک بانک صورت گرفته است. به موجب این بند: «استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است». چنین تمهیدی (طبقه‌بندی طلبکاران) در قانون اداره تصفیه نیز مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. به موجب ماده (۵۸) قانون اداره تصفیه، بستن کارانی که دارای وثیقه هستند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستن کاران قرار داده می‌شوند. از طرفی به موجب ماده (۷۸۰) قانون مدنی نیز مرتبه‌ها بر هر طلبکار دیگر جهت استیفای طلب خود از قیمت رهن رجحان دارد. اما مواد مورد اشاره در خصوص آن قسم از اموال تاجر است که می‌بایست جهت پرداخت طلب طلبکاران به فروش برسد، در حالی که حکم مقرر در بند (د) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی کشور راجع به موجودی حساب‌های سپرده پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت است؛ لذا بدیهی است که تقدم حقوق طلبکاران مرتبه‌ها جهت وصول مطالبات در خصوص این حساب‌ها قابل اعمال نیست. بنابراین بند (د) ماده (۴۱) قانون پولی تمهید خاصی است که می‌بایست منفک از طبقه‌بندی مورد نظر طلبکاران به موجب قانون اداره تصفیه مورد توجه قرار گیرد. بدین معنی که سپرده‌گذاران یک بانک ورشکسته اگرچه جزو طلبکاران با حق وثیقه یا طلبکاران با حق رجحان (موضوع ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه) محسوب نمی‌شوند اما از طرفی طلبکار عادی نیز محسوب نمی‌شوند چرا که قانونگذار حکم خاصی را در خصوص آنها مقرر داشته و حقوق آنها بدین جهت جزو حقوق ممتاز محسوب می‌شود. لازم به ذکر است به موجب ماده (۳۳) قانون بانکی و پولی کشور (مصوب ۱۳۳۹)، «در موارد توقف یا ورشکستگی بدهکاران، موجودی حساب آنها نزد بانک مرکزی در درجه اول به مصرف واریز بدهی‌های آنها به بانک مرکزی خواهد رسید». مطابق این ماده نظر به اولویت وصول مطالبات بانک مرکزی، مطالبات این بانک از بدهکاران ممتازه بوده و وصول آن مقدم بر سایر مطالبات است. اما ضروری است به این نکته توجه شود، آنچه در بند (د) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی کشور مورد نظر بوده است، همان گونه که عنوان شد، ایجاد حقوق ممتازه برای سپرده‌گذاران بانک‌های ورشکسته است و لذا مقصود قانونگذار در این بند کاملاً متفاوت از آن چیزی است در ماده (۳۳) مذکور مورد اشاره واقع شده است و می‌بایست از خلط محث در این خصوص پرهیز شود.

به عنوان نتیجه این بحث می‌توان گفت که با توجه به اینکه در قانون پولی و بانکی کشور حکم خاصی در رابطه با تصفیه امور بانک ورشکسته پیش‌بینی نشده است و تنها چند ملاحظه خاص به شرح فوق مورد نظر قانونگذار بوده است، لذا غیر از موارد مورد نظر در قانون پولی و بانکی کشور در خصوص سایر موارد می‌بایست جهت پیگیری روند تصفیه امور بانک ورشکسته به مفاد قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی رجوع کرد. اگرچه مفاد قانون پولی و بانکی کشور اشاره‌ای به این موضوع مهم نکرده و بهتر بود این مطلب مورد تصریح قانونگذار قرار می‌گرفت.

در خاتمه ضروری است اشاره‌ای نیز به وضعیت شرکت‌های تعاونی صورت گیرد؛ چرا که برخی از نهادهای واسطه پولی در قالب تعاونی‌های اعتباری فعالیت کرده و بدین جهت مشمول قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ هستند. اگرچه قانون تجارت درباره انحلال و ورشکستگی شرکت‌های تعاونی موضوع را به سکوت برگزارد کرده، اما قانون بخش تعاونی در ماده (۵۴) خود، انحلال شرکت‌های تعاونی را

تصفیه است. این مورد به خصوص تنها موردی است که در آن انحلال شرکت قهری بوده و نیازمند حکم دادگاه نیست (ماده ۲۰۰).

به موجب بند (الف) ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور، انحلال بانک در صورت تقاضای مقامات صلاحیت‌دار بانک تقاضا امکان‌پذیر خواهد بود. در این رابطه بند ۴ ماده (۱۹۹) قانون اصلاح ۱۳۴۷، انحلال شرکت به تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده را مد نظر قرار دارد. مجمع عمومی فوق‌العاده در فرض مزبور می‌تواند حتی با وجود مخالفت صاحبان سهام موسس یا انتفاعی در شرایط معمولی حد نصاب و اکثریت مقرر برای این نوع مجمع عمومی تصمیم به انحلال شرکت بگیرد (اسکینی، ۱۳۸۵: ص. ۲۳۲). بدین ترتیب صاحبان سهام موسس یا انتفاعی نخواهند توانست با مخالفت خود مانع از تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت شوند. چرا که در چنین شرایطی انحلال شرکت به عنوان مصداق تغییر در حقوق صاحبان سهام موسس و انتفاعی (موضوع ماده ۹۳ قانون اصلاح) محسوب نمی‌شود. ایرادی که در خصوص بند (الف) ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی قابل طرح است آن است که مشخص نیست منظور از مقامات صلاحیت‌دار بانک چه اشخاصی هستند و آیا با توجه به ماده (۱۹۹) مزبور که تصمیم‌گیری در خصوص انحلال را منحصر به مجمع عمومی فوق‌العاده دانسته است، در خصوص بانک‌ها نیز مجمع فوق‌العاده چنین اختیاری را دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به سکوت قانون پولی و بانکی کشور و همچنین عدم تصریح موضوع در آیین‌نامه طرز اداره بانک و نحوه انقراض اجازه تاسیس بانک در موارد مذکور در ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور، می‌بایست مقامات صلاحیت‌دار بانک را متناظر با مفهوم مورد نظر در قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ دانست؛ یعنی مجمع عمومی فوق‌العاده بانک. یکی دیگر از موارد انحلال شرکت در ماده (۱۴۱) قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده اگر بر اثر زبان حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود باید مجمع عمومی فوق‌العاده به دعوت هیات‌مدیره تشکیل شود و به بقا یا انحلال شرکت رای دهد در غیر این صورت هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت از دادگاه را درخواست کند. سایر موارد مربوط به انحلال شرکت بنا به علتی غیر از ورشکستگی طی مواد (۱۹۹) تا (۲۰۲) قانون اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ مورد بحث قرار گرفته که کمابیش در خصوص بانک‌ها نیز طی ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور تبیین شده است که با توجه به اینکه موضوع مورد بحث این نوشتار منحصر به انحلال به علت ورشکستگی است از ورود به آن خودداری می‌شود.

اما در خصوص ورشکستگی بانک، ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی کشور چنین مقرر می‌دارد:

«الف- در صورتی که توقف یا ورشکستگی بانکی اعلام شود، دادگاه قبل از هر گونه اتخاذ تصمیم نظر بانک مرکزی ایران را جلب خواهد کرد. بانک مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف یک ماه نظر خود را کتبا به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دلایل موجود در پرونده تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.»

ب- تصفیه امور بانک ورشکسته با اداره تصفیه امور ورشکستگی است.

ج- در تمام موارد انحلال و ورشکستگی بانک‌ها، تصفیه امور آنها با نظارت نماینده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد گرفت.

د- استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌های مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است.

ه- با انحلال یا ورشکستگی یک بانک نام آن از دفاتر اداره ثبت حذف خواهد شد.

به‌طور کلی از این ماده چنین استنباط می‌شود که قانون پولی و بانکی کشور در خصوص موضوع ورشکستگی بانک‌ها حکم خاصی را به غیر از بند (د) ماده (۴۱) برخلاف مقررات عام قانون تجارت مطرح نکرده و صرفاً با توجه به لزوم نظارت عالی بانک مرکزی در خصوص نحوه فعالیت بانک‌ها و نیز توقف فعالیت آنها چنین مقرر شده است که دادگاه تصمیم نهایی خود را می‌بایست با توجه به نظر بانک مرکزی اتخاذ کند که در این رابطه یک مهلت زمانی یک‌ماهه نیز مد نظر قرار گرفته است. چنانچه پس از منقضی شدن این مهلت نظر بانک مرکزی به دادگاه واصل شود دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد. علی‌احمال نظر اعلامی بانک مرکزی به دادگاه در خصوص ورشکستگی یک بانک به نوعی جنبه ارشادی داشته و نهایتاً دادگاه مطابق تشخیص خود اقدام خواهد کرد. در بندهای (ب) و (ج) این ماده نهادها و اشخاص ذیل در امر تصفیه بانک ورشکسته معین شده‌اند که شامل اداره تصفیه امور ورشکستگی و نیز نماینده تعیین شده توسط بانک مرکزی جهت نظارت بر روند امور هستند.

لازم به ذکر است به موجب قانون تجارت، ارگان‌های تصفیه شامل دادگاه صادرکننده حکم، دادستان، مدیر تصفیه و عضو ناظر هستند که هر یک وظایف و اختیاراتی را دارند که طی مواد قانون تجارت (فصل سوم به بعد باب یازدهم قانون تجارت) تبیین شده است؛ ضمن اینکه به موجب ماده (۴۲۷) قانون تجارت، عضو ناظر توسط محکمه صادرکننده

به موجب ماده (۸۳)، پیش‌نویس قانون بانکداری، مقامات و اشخاصی که می‌توانند رسیدگی به ورشکستگی را از دادگاه تقاضا کنند شامل بانک مرکزی و یا دادستان هستند. به‌رغم اینکه در ماده (۴۱۵) قانون تجارت امکان اعلام توقف توسط شخص تاجر نیز پیش‌بینی شده است، اما در ماده (۸۳) پیش‌نویس چنین تمهید و فرضی در خصوص بانک‌ها مطرح نشده است. دادگاه صالح جهت رسیدگی به حکم ورشکستگی بانک نیز به موجب ماده (۸۲)، دادگاه ذی‌صلاح مستقر در پایتخت خواهد بود.

از جمله نقاط مثبت در پیش‌نویس قانون بانکداری، پیش‌بینی نهاد بازسازی^۱ است. به موجب ماده ۸۴، «در صورت اعلام توقف موسسه اعتباری از سوی بانک مرکزی یا مدعی‌العموم، دادگاه با نظر بانک مرکزی دایر بر امکان بازسازی نسبت به صدور رای بازسازی اقدام می‌کند. در صورت عدم امکان بازسازی، دادگاه حکم ورشکستگی موسسه اعتباری را صادر می‌کند». ضرورت کسب نظر بانک مرکزی قبل از هر گونه اقدام جهت صدور حکم ورشکستگی بانک، موضوعی است که در ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی کشور نیز پیش‌بینی شده است.

اما در خصوص مفهوم بازسازی ضروری است ابتدا توضیح مختصری ارائه شود. شیوه اجرای احیای مجدد واحد دچار مشکلات مالی یا ورشکسته را بازسازی می‌گویند. بازسازی مبتنی بر بازپس گرفتن اموال و دارایی‌ها توسط بدهکار، همراه با انجام مذاکرات توسط طلبکاران در مورد نحوه پرداخت مطالبات آنان است. در واقع شخص بدهکار که در فرض عدم تعیین مدیر تصفیه بدهکار متصرف نامیده می‌شود، به فعالیت شغلی خود ادامه داده و تلاش می‌کند تا بر مبنای طرحی دیون خویش را تحت نظارت دادگاه ورشکستگی پرداخت کند. طلبکاران نیز از توقیف اموال بدهکار جهت استیفای حقوق خود منع شده، باید به طرح پیشنهادی بدهکار عمل کنند. اگر طرح پیشنهادی قابل قبول نباشد پس از آن اموال بدهکار به منظور پرداخت دیون، تصفیه یا فروخته می‌شود. بنابراین بازسازی عبارت از کلیه اقداماتی است که توسط بدهکار، با جلب رضایت طلبکاران، جهت ادامه فعالیت شغلی و پرداخت مطالبات طلبکاران در آینده از طریق طرح تصدیق‌شده‌ای به نام طرح بازسازی انجام می‌شود. با توجه به نظریه‌های ارائه‌شده در خصوص نهاد بازسازی، به نظر می‌رسد بازسازی تصدیق‌شده، به عنوان قراردادی جدید میان بدهکار و تمام طلبکاران او تلقی می‌شود؛ لذا طلبکاری که از مفاد این قرارداد تخطی کند در واقع آن را نقض کرده است. در طرح بازسازی تصدیق‌شده، بدهکار و تمامی اشخاص ذینفع چه به آن رای داده و یا نداده باشند، ملزم به اجرای آن هستند (قنوتی، ۱۳۸۹: صص. ۱۱۸ و ۱۱۹).

مطابق ماده (۸۶) پیش‌نویس قانون بانکداری، مدت بازسازی بیش از سه سال نخواهد بود و قابل تمدید نیست. همچنین به موجب همین ماده، کلیه دیون غیرسپرده‌ای موسسه اعتباری که پیش از صدور رای بازسازی حل شده یا طی این مدت حل می‌شوند، به دیون موجد مبدل می‌شود. منابع به دست آمده طی دوران بازسازی می‌بایست در وهله نخست جهت تادیه دیون بانک در قبال سپرده‌گذاران به کار رود. طرح بازسازی نیز به همراه سایر اسناد و مدارک مورد نیاز می‌بایست پس از صدور رای بازسازی جهت رسیدگی و تصویب به بانک مرکزی ارائه شود (ماده ۸۷ پیش‌نویس). در واقع اگر چه در حالت کلی، طرح بازسازی می‌بایست به تایید طلبکاران برسد، اما به واسطه لزوم نظارت بانک مرکزی نسبت به فعالیت‌های شبکه بانکی کشور در ماده (۸۷) مذکور، ضرورت تصویب طرح بازسازی توسط این بانک مورد اشاره قرار گرفته است. پس از خاتمه دوران بازسازی نیز بانک مرکزی گزارشی حاکی از وضعیت مالی موسسه اعتباری و امکان یا عدم امکان پرداخت مطالبات و ایفای تعهدات کلیه طلبکاران را تقدیم دادگاه خواهد کرد و دادگاه بر اساس نظر بانک مرکزی رای به ادامه فعالیت موسسه اعتباری یا ورشکستگی آن صادر خواهد کرد (ماده ۸۸ پیش‌نویس). طرح بازسازی می‌بایست مشتمل بر جزئیات و توضیحات مربوط جهت پیشبرد روند بازسازی باشد. به موجب ماده (۸۷) پیش‌نویس، تعیین این جزئیات و نحوه اجرای آن در خصوص بانک‌های ذی‌ربط می‌بایست بر اساس دستورالعملی باشد که بانک مرکزی آن را تدوین و تصویب خواهد کرد. فی‌الواقع طرح بازسازی مشتمل بر جزئیات اجرایی و دستورالعمل نحوه بازسازی امور تاجر ورشکسته است. در قوانین برخی کشورها مانند قانون ورشکستگی آمریکا، مندرجات طرح بازسازی به دو دسته مندرجات اجباری و مندرجات اختیاری تقسیم شده است. ماده (۱۱۲۳) این قانون تفکیک مزبور را مقرر داشته است و از جمله مندرجات اجباری طرح بازسازی می‌توان به لزوم تعیین و مشخص کردن اقسام حقوق و منافع، لزوم تعیین آن قسم از مطالبات که دچار خسارت شده‌اند و لزوم تنظیم طرح بازسازی مطابق با منافع طلبکاران و دارندگان حق وثیقه اشاره کرد. ضمن اینکه مندرجات اختیاری نمی‌بایست با مندرجات اجباری تعارض داشته باشند (همان: ص. ۱۲۱)؛ لذا ضروری به نظر می‌رسد که در صورت تصویب نهایی قانون بانکداری، دستورالعمل موضوع ماده (۸۷) پیش‌نویس به گونه‌ای تدوین شود که مندرجات اجباری و اختیاری طرح بازسازی کاملاً مشخص و تبیین شوند.

نهاد بازسازی با قرارداد ارفاقی^۲ که از دیگر تاسیسات حقوقی ورشکستگی و تصفیه است قابل مقایسه است. قرارداد ارفاقی قراردادی است که پس از رسیدگی به مطالبات طلبکاران

پیش‌بینی کرده است. در بند (۶) این ماده چنین مقرر شده است: «ورشکستگی طبق قوانین مربوطه»، و در تبصره (۱) این ماده نیز عنوان شده است، «پس از اعلام انحلال و ثبت بلافاصله آن در اداره ثبت محل، تصفیه طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد». بنابراین، با توجه به ماده (۱۹۳)، قانون تجارت مبنی بر اینکه شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت‌های سهامی یا طبق مقررات مخصوصی که با ترازوی شرکا ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود... و نظر به حکم کلی ماده (۴۱۲) قانون تجارت درباره ورشکستگی شرکت‌های تجاری و نظر به اینکه شرکت‌های مزبور دارای اوراق سهام هستند و جزو شرکت‌های سرمایه هستند و در یک گروه قرار دارند و مقررات مربوط به تاسیس و اداره و شرایط حاکم بر آنها مشابه است، و از طرفی در آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی هم که درباره اجرای مقررات مربوط به مراحل مختلفه ورشکستگی است و با در نظر گرفتن مفاد ماده (۲۵) آیین‌نامه مزبور مبنی بر اینکه: «هرگاه ورشکسته شرکت سهامی یا تعاونی باشد مدیرانی که در حین اعلام ورشکستگی عهده‌دار امور شرکت بوده‌اند مسوول انجام تکلیف نامبرده شناخته می‌شوند»، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ورشکستگی شرکت‌های تعاونی مانند شرکت‌های سهامی و رسیدگی به امور آنها بعد از صدور حکم ورشکستگی بر عهده مدیر تصفیه و یا سازمان تصفیه است و کلیه امور و مسائلی که در خصوص ورشکستگی شرکت‌های سهامی عنوان شد درباره شرکت‌های تعاونی هم بر حسب مورد اعمال می‌شود.

بنابراین در مورد شرکت‌های تجاری قواعد و مقررات حاکم بر امور ورشکستگی همان ضوابط و شرایطی است که در مبحث ورشکستگی طی مواد (۴۱۲) الی (۵۷۵) قانون تجارت، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب سال ۱۳۱۸ عنوان شده است و در هیچ یک از قوانین مزبور حکم خاصی وجود ندارد بلکه کلیه اقداماتی که درباره ورشکستگی شرکت‌ها باید انجام شود، اعم از اعلام توقف و صدور حکم ورشکستگی، تعیین مدیر تصفیه و عضو ناظر و ارجاع امر ورشکستگی شرکت به سازمان و یا اداره تصفیه امور ورشکستگی، کیفیت و نحوه اقدامات مسوولان مربوطه، صورت‌برداری از اموال و دارایی‌ها و تعهدات شرکت و چگونگی نگهداری اموال و اسناد و اطلاع به طلبکاران و بدهکاران و جمع‌آوری کلیه اموال شرکت اعم از منقول، و نحوه وصول مطالبات و اخذ اسناد و سایر مدارکی که له یا علیه شرکت است و فروش اموال و دعوت از مجمع طلبکاران و قرارداد ارفاقی و تقسیم اموال بین طلبکاران و اعلام خاتمه ورشکستگی شرکت، اصولاً به همان ترتیبی است که درباره تاجر ورشکسته بیان شده است.

ورشکستگی بانک‌ها در پیش‌نویس قانون بانکداری

پیش‌نویس قانون بانکداری بنا به پیشنهاد بانک مرکزی به منظور رفع خلأها و نواقص قانون پولی و بانکی کشور و تدوین قانونی جامع و مانع به منظور تنظیم و هدایت عملیات بانکی و نظارت بهتر بانک مرکزی بر شبکه بانکی کشور، توسط بانک مرکزی در ۹۵ ماده تدوین و جهت بررسی توسط هیات وزیران و تقدیم به مجلس شورای اسلامی جهت طی مراحل قانونی و تصویب نهایی ارائه شد. مقررات مربوط به ورشکستگی بانک‌ها در این پیش‌نویس جامع‌تر از مفاد قانون پولی و بانکی کشور در این خصوص بوده و نکات لازم در فصل هشتم تحت عنوان «توقف، بازسازی، ورشکستگی، انحلال و تصفیه» مطرح شده است؛ اگر چه مناسفانه روند رسیدگی و تصویب قانون مزبور تاکنون منتج به نتیجه خاصی نشده و متوقف است.

به موجب ماده (۸۱) پیش‌نویس قانون بانکداری، «ورشکستگی بانک‌ها و سایر موسسات اعتباری در نتیجه توقف از تادیه دیونی که بر عهده آنهاست و عدم امکان بازسازی بنا به تشخیص بانک مرکزی حاصل می‌شود». بنابراین به‌رغم اینکه قانون تجارت به‌طور صریح به توقف تاجر اشاره‌ای نداشته است اما در پیش‌نویس قانون بانکداری به درستی مفهوم توقف مورد اشاره قرار گرفته و احکام خاصی در رابطه با آن مد نظر قرار گرفته است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. در واقع می‌توان گفت با صدور حکم ورشکستگی تاجر از سوی دادگاه، او به حکم ماده (۴۱۸) قانون تجارت نه تنها از تصرف در اموال خویش ممنوع است، بلکه این حکم معاملات را نیز که تاجر ورشکسته قبل از صدور حکم ورشکستگی انجام داده تحت تأثیر قرار می‌دهد که این تأثیر در دو دوره زمانی متفاوت است که یکی معاملات تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف و دیگری معاملات تاجر ورشکسته بعد از تاریخ توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی است (سکوتی، ۱۳۸۴: ص. ۸۲)؛ لذا توجه به مفهوم توقف در مبحث ورشکستگی از اهمیت فراوانی برخوردار است و بدین جهت در تبصره ماده (۸۴) پیش‌نویس قانون بانکداری مقرر شده است که «به صرف وقوع توقف موسسه اعتباری، پیش از صدور حکم ورشکستگی دیون موجد او حل نمی‌شود»؛ چرا که توقف خود یک مفهوم حقوقی منفک از ورشکستگی بوده و نمی‌توان لزوماً توقف تاجر در پرداخت دیون را متناظر با ورشکستگی او دانست و همان‌گونه که عنوان شد، تعیین تاریخ توقف توسط دادگاه از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این رابطه به موجب ماده (۸۵) پیش‌نویس قانون بانکداری، «دادگاه در صورت صدور حکم ورشکستگی تاریخ توقف موسسه اعتباری را با نظر بانک مرکزی تعیین می‌کند».

منجر به تسریع در امور تصفیه و اعمال دقت نظر کافی و لازم در این ارتباط خواهد شد. بنابراین وضعیت خاص ورشکستگی یک بانک ایجاب می‌کند تا تعیین مدیر تصفیه توسط بانک مرکزی صورت پذیرد.

آخرین نکته در رابطه با پیش‌نویس قانون بانکداری در ارتباط با ماده (۹۵) است که مقرر می‌دارد: «ورشکستگی بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری در مواردی که در این قانون معین نشده است تابع مقررات قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی است». بنابراین در مواردی مانند نحوه برخورد با معاملات بانک‌ها در دوران قبل از صدور حکم ورشکستگی و یا آثار ورشکستگی نسبت به اموال (قاعده منع مداخله) و نیز تشریفات مربوط به روند تصفیه، می‌بایست به مفاد قوانین مورد اشاره و یا سایر قوانین و مقررات حاکم در این خصوص مراجعه کرد.

نتیجه‌گیری

موضوع ورشکستگی بانک‌ها در حقوق ایران از جمله موضوعاتی است که بنا به دلایلی از جمله سکوت و نقصان قوانین مربوطه و نیز عدم پوشش کافی قوانین عام تجاری نسبت به مسائل تخصصی حوزه پولی و بانکی، ابهاماتی را ایجاد کرده است. اگرچه مفاد قانون تجارت در مبحث ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته به‌طور کلی تمامی اشخاص مشمول تعریف عنوان تاجر را در بر داشته و قانون اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نیز به‌طور خاص مقررات مربوط به انحلال شرکت‌های سهامی را تبیین کرده و در خصوص ورشکستگی شرکت سهامی مفاد قانون تجارت را حاکم دانسته است، با این وجود صرفاً با استناد به قوانین پیش‌گفته نمی‌توان به بررسی موضوع ورشکستگی بانک‌ها پرداخت و چارچوب‌های قانونی موجود در این زمینه قطعاً نمی‌توانند محدود به احکام قانون تجارت باشند؛ چرا که مقتضیات خاص حاکم بر نحوه فعالیت و عملیات بانک‌ها در عرصه پولی و بانکی و تأثیرات ناشی از ورشکستگی یک بانک و ریسک آن برای کل سیستم بانکی و نیز لزوم نظارت عالیه بانک مرکزی به عنوان نهاد تنظیم‌کننده و ناظر بر فعالیت‌های شبکه بانکی کشور، در قوانین موجود به هیچ وجه لحاظ نشده است.

از طرفی مقررات موضوع فصل سوم قانون پولی و بانکی کشور در خصوص ترتیب انحلال ورشکستگی بانک‌ها نیز بسیار مجمل و نارسا بوده و حتی به ابهامات و نواقص قانونی افزوده و در جهت رفع خلاء قانونی با توجه به ملاحظات یادشده مثمرتر نیستند. بنابراین لزوم تدوین یک چارچوب قانونی جامع و مانع که بتواند به موازات سایر موضوعات، تا حد امکان مبحث ورشکستگی بانک‌ها و نیز ملزومات ناشی از نظارت بانک مرکزی بر جریان توقف ورشکستگی و نیز تصفیه دیون و مطالبات بانک ورشکسته را به‌طور خاص مورد توجه قرار دهد، بیش از پیش احساس می‌شود. تهیه و تدوین متن پیش‌نویس قانون بانکداری توسط بانک مرکزی تلاشی در این مسیر بوده است که طی آن سعی شده است ضمن لحاظ کردن احکام قانونی موجود، تا حدود زیادی با دیدگاه تخصصی پولی و بانکی، موضوع ورشکستگی بانک‌ها مورد تبیین قرار گیرد که در صورت تصویب نهایی و اجرایی شدن این پیش‌نویس، می‌توان تا حدود زیادی به رفع اشکالات موجود در این زمینه امیدوار بود.

* کارشناس اداره بررسی‌های حقوقی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

پی‌نوشت‌ها:

۱- این ماده طی اصلاحات بعدی قانون پولی و بانکی حذف شده است.

2- Reconstruction.

3- Composition Agreement (or) Deed of Arrangement.

منابع:

- ۱- آذری، کیوان، ۱۳۵۵، وقفه در پرداخت دیون، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۹، صفحات: ۴۲ - ۱.
- ۲- اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۵، حقوق تجارت- شرکت‌های سهامی، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت
- ۳- اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۳، حقوق تجارت- ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- حاجی‌ها، زهره، ۱۳۸۴، سقوط شرکت، علل و مراحل آن، ماهنامه حسابرس، شماره ۲۹، صفحات: ۷۲ - ۶۴.
- ۵- روشن، محمد و مظفری، مصطفی، ۱۳۸۹، بررسی آثار صدور حکم ورشکستگی و رفع آن، فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱، صفحات: ۸۹-۷۱.
- ۶- سکوتی، رضا، ۱۳۸۴، تأثیر حکم ورشکستگی بر معاملات قبل از توقف تاجر ورشکسته، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره ۲۱، صفحات: ۱۱۶ - ۸۱.
- ۷- قنوتی، جلیل و کهنمویی، اسماعیل، ۱۳۸۹، بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالات متحده و مقایسه آن با قرارداد ارفاقی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره چهاردهم، شماره ۴ (پیاپی ۷۰)، صفحات: ۱۴۳-۱۱۵.

و قبل از فروش دارایی‌های ورشکسته منعقد شده و طی آن طلبکاران می‌توانند با تاجر ورشکسته قرار بگذارند تا از ادامه تصفیه صرف نظر کرده و با ارائه تخفیف از او بخواهند مطالبات آنها را در مهلت‌های معین‌شده مورد توافق پرداخت کنند. این قرارداد از حیث توافقی بودن و عدم لزوم رضایت تمامی طلبکاران و لزوم تصدیق دادگاه (ماده ۴۸۶ قانون تجارت)، مشابه نهاد بازسازی است. اشتراکات این دو نهاد را می‌توان در شرایط ماهوی و شکلی مؤثر در انعقاد دو نهاد حقوقی، در دخالت دادگاه در اوصاف عقدی و آثار هر دو نهاد ملاحظه کرد؛ با این وجود این دو نهاد از حیث امتیازات مربوط به آنها دارای تفاوت هستند. از جمله مهم‌ترین امتیازات بازسازی نسبت به قرارداد ارفاقی، ارائه مهلت طولانی جهت اجرای طرح بازسازی (در ماده ۸۶ پیش‌نویس سه سال)، حمایت از تجارت‌های پرریسک در نهاد بازسازی و منع تعقیب دعاوی طلبکاران با وثیقه است. همچنین از جمله مهم‌ترین اشکالات وارد بر قرارداد ارفاقی را می‌توان اختیارات بی‌حد و حصر طلبکاران و عدم نظارت مرجع قانونی بر اقدام تاجر ورشکسته در زمان اجرای قرارداد ارفاقی دانست (همان: ص. ۱۴۱). علی‌الیه با توجه به موجب ماده (۹۴) پیش‌نویس قانون بانکداری، انعقاد قرارداد ارفاقی در خصوص بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری که ورشکسته می‌شوند و ادامه کار ورشکسته توسط طلبکاران مجاز نخواهد بود. بنابراین قرارداد ارفاقی در خصوص بانک‌های ورشکسته مورد پذیرش پیش‌نویس قانون بانکداری قرار نگرفته و شاید دلیل این امر نبود امکان نظارت کافی بانک مرکزی بر نحوه تنظیم و اجرای قرارداد ارفاقی و عدم امکان رسیدگی مداوم به وضعیت بانک ورشکسته باشد.

همان‌گونه که اشاره شد بازسازی می‌بایست به تصدیق دادگاه برسد؛ لذا مطابق ماده (۸۴) نظر بانک مرکزی در خصوص بازسازی به دادگاه ابلاغ و مطابق با آن دادگاه رای به بازسازی خواهد داد. از عبارت «رای بازسازی» چنین برداشت می‌شود که تصدیق بازسازی توسط دادگاه صرف یک دستور قضایی نیست بلکه مستلزم صدور رای توسط دادگاه است. در خصوص قرارداد ارفاقی نیز مطابق ماده (۴۸۷) قانون تجارت، قبل از آنکه دادگاه در مورد تصدیق قرارداد ارفاقی رای دهد، عضو ناظر گزارشی متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد به دادگاه تقدیم خواهد کرد و دادگاه پس از ملاحظه این گزارش رای خواهد داد. عدم به تصدیق رساندن قرارداد توسط دادگاه منجر به بلااثر بودن قرارداد خواهد شد. نکته قابل توجه در رابطه با گزارش تنظیمی توسط بانک مرکزی در خصوص امکان بازسازی این است که طی ماده (۸۴) پیش‌نویس، موارد مورد بررسی در گزارش مشخص نشده است اما به نظر می‌رسد همانند قرارداد ارفاقی، عدم محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب یا تقصیر (موضوع مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ قانون تجارت) جزو شروط اساسی جهت ارائه طرح بازسازی خواهد بود.

به موجب ماده (۸۶) پیش‌نویس قانون بانکداری، «کلیه دیون غیرسپرده‌ای موسسه اعتباری که پیش از صدور رای بازسازی حال شده یا طی این مدت حال می‌گردند، به دیون موجه تبدیل می‌شوند. موسسه اعتباری مکلف است با نظارت بانک مرکزی از محل منابع به دست آمده در دوران بازسازی، با اولویت وجوه سپرده‌گذاران نسبت به تادیه دیون خود اقدام کند». تفکیک میان دیون سپرده‌ای و غیرسپرده‌ای مطابق با اصل کلی مورد پیش‌بینی طی بند (د) ماده (۴۱) قانون پولی و بانکی کشور است که قبلاً نیز در خصوص آن مطالبی عنوان شد؛ لذا مطابق این اصل می‌توان گفت تادیه دیون سپرده‌ای بانک‌های ورشکسته مقدم بر دیون غیرسپرده‌ای بوده و ممتاز شناخته شدن مطالبات سپرده‌گذاران مقررره خاص قانون به منظور حفظ امنیت روانی حاکم بر فعالیت‌های بانکی و اطمینان سپرده‌گذاران است. این موضوع در ماده (۹۲) پیش‌نویس در خصوص تادیه بدهی‌ها، پس از صدور حکم ورشکستگی نیز تبیین شده است. تبدیل دیون حال به موجه نیز بر این مبنا است که پس از توقف تاجر از پرداخت دیون، تصرفات او در اموالش از جمله تادیه هر قرض اعم از حال یا موجه به هر وسیله که باشد، پذیرفته نیست که این موضوع در ماده (۴۲۳) قانون تجارت نیز مورد تصریح قرار گرفته است. بدیهی است صدور حکم ورشکستگی به معنای عدم موفقیت طرح بازسازی بوده و موجبات تصفیه را فراهم می‌سازد.

نکته قابل توجه دیگر در این مبحث در خصوص نحوه تعیین مدیر تصفیه و عضو ناظر به موجب مواد (۸۹) و (۹۰) پیش‌نویس قانون بانکداری است. به موجب ماده (۸۹) مدیر تصفیه با نظر بانک مرکزی تعیین می‌شود. اگرچه مطابق قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، در مواردی که اداره تصفیه متولی امور تصفیه است کارمند تصفیه وظایف مدیر تصفیه و عضو ناظر را انجام می‌دهد، با این وجود تعیین مدیر تصفیه و نیز عضو ناظر (ماده ۹۰ پیش‌نویس) که با معرفی هیات نظارت توسط دادگاه منصوب خواهد شد، مبتنی بر این دلایل است که تصفیه امور بانک‌های ورشکسته یک موضوع تخصصی بوده و مراجع دیگر به علت عدم احاطه کافی نسبت به موضوعات پولی و بانکی از عهده‌داره امور تصفیه یک بانک ورشکسته بر نخواهند آمد. از طرفی در مواردی ممکن است ضرورت داشته باشد تا قبل از صدور حکم ورشکستگی و به منظور پیشبرد و اجرای طرح بازسازی، منابع مالی لازم از طریق تزریق نقدینگی به بانک ورشکسته اعطا شود که در این صورت نظارت بانک مرکزی بر جریان امور لازم خواهد بود؛ لذا پس از صدور حکم ورشکستگی نیز تعیین مدیر تصفیه توسط بانک مرکزی با توجه به آشنایی او با سوابق مربوط به فعالیت بانک ورشکسته